دست آخر

تبارشناسی مجادلات راست با خانلری و اقبال و دیگران

نیکلا راست، نیکلا کج!

شیما بهرومند
دبیر گروه فرهنگ

گزارشی متروک در تاریخ، از گزارش‌نویسی ناشناخته و پر رمز و راز پرده برمی‌دارد که جز گزارش اقتصادی، پژوهش‌هایی نیز در حوزه‌های دیگری ازجمله تاریخ و زبان‌شناسی و ادبیات داشته است؛ نیکلا راست یا نیکلا بلکاردسکی. محمد مالجو مؤلف کتاب «ادیسه راست»، تاریخ خُرد دره‌دری راست را از ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۸ روایت می‌کند. او نخستین بار در سال ۱۳۹۷ با «ده‌ها برگ پراکنده از دست‌نوشته‌ای با خطوط کج‌مرتک و غالباً ناخوانا و مملو از خط‌خوردگی» مواجه می‌شود که لابه‌لای اوراق پرونده‌ای در آرشیو ملی ایران خاک می‌خورد. برگ‌هایی بی‌نظم و ترتیب که حکایت از مکتوبی با نظم و نسق درباره تجارت خارجی ایران حوالی سال ۱۳۲۰ داشت. نسخه‌های دست‌نویس پیدا می‌شود. اما مالجو در خلال تنظیم و تنقیح و تصحیح آن گزارش به پژوهش درباره «نوعی ادبیه انسانی» می‌رسد که در «حصارهای حصین دهلیزهای تاریک و متروک تاریخ» به فراموشی سپرده شده بود. «هدف پژوهش عبارت بود از بازیابی و بازسازی مسیر طی‌شده پرفراز‌ونشیب یک شخصیت ناشناخته اسرارآمیز طی نخستین دهه‌های عصر پهلوی در آینه اسناد پراکنده» و مالجو در روایتش کوشیده است تا «تاریخ خُرد ادبیه گزارش‌نویس» را در متن سیاسی کلانی بنشاند و بر زوایایی تاریک از تاریخ معاصر ایران نوری بتاباند. اما کار سختی در پیش است، «معما بشت معما بود که شکل می‌گرفت. با هر سندی معمایی حل می‌شد اما معماهای جدیدی به میان می‌آمدند»؛ معماهایی که تا آخر حل‌نشده و کمآکان لاینحل مانده‌اند. مالجو به طرز مفصلی گزارش اقتصادی راست از اوضاع تجارت خارجی ایران را که در فاصله بعید ۸۳ سال به دست آمده، واکاوی می‌کند و قوت و ظرافت و صلابت و دقتِ این گزارش را نسبت به زمانه‌اش نشان می‌دهد. گذشته از این گزارش، در بخش جدایی از کتاب، مالجو به قصد نمایاندن وحدت روش‌شناسانه راست، به دیگر مکتوبات و پژوهش‌های غیراقتصادی او اشاره می‌کند به‌ویژه به مقاله‌ای درباره «قبر یعقوب‌بن لیث» و کتاب «پیدایش ضمایر فارسی»، که هر دو حرف و حدیث‌هایی در میان اهل فرهنگ بدید می‌آورد. مالجو معتقد است روش تحقیق واحدی بر همه تحقیقات اقتصادی و غیراقتصادی راست سایه افکنده بود تا حدی که می‌توان از وحدت روش‌شناسانه در آثار راست سخن گفت. ارکان کلیدی روشی که راست در آثار زبان‌شناسی و ادبی و تاریخی‌اش طی دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ به کار بست، پیش‌تر در گزارش اقتصادی سال ۱۳۲۰ سابقه و نمود داشت. با اینکه از شواهد و قرائن چنین برمی‌آید که گزارش راست چندان در میان اهل فن موجب گفت‌وگو و جدال قلمی و فکری نبوده است، مالجو سعی دارد با تبارشناسی مجادلات قلمی بین راست و اهالی راست، مالجو سعی دارد با تبارشناسی مجادلات قلمی بین راست و اهالی فرهنگ و ادبیات در قلمرو پژوهش‌های غیراقتصادی‌اش، فرضیه «تأمروذی خیرکان ایرانی» را مطرح کند. به این معنا که دیدگاه راست در پژوهش‌های غیراقتصادی راست، آزمودگی خیرکان در حدنو بود که بتواند بین داده‌های آماری و چوب‌کاوی تحت اقتصادی جامعه ایرانی پیوند برقرار کند. مالجو نحوه برخورد خیرکان اقتصادی با نسبیت و تحقیقی نامانوس را با «تلهچه بیکانه» را به حوزه فرهنگ کشیده و به مجادلات قلمی بین راست و اهل فرهنگ اشاره می‌کند. «چه‌بسا بتوان اختلاف‌نظرهای اجتماعی بر سر روش تحقیق گزارش اقتصادی راست را به کمک صورت‌بندی اختلاف‌نظرها درباره روش تحقیق پژوهش‌های غیراقتصادی‌اش شبیه‌سازی کرد». به قدیر، نوع برخورد اصحاب فرهنگ با مکتوبات راست در حیطه تحقیقات فرهنگی نیز روشکر است. اوج انتقادات به راست در زمانی برمی‌گردد که راست کتاب «پیدایش ضمایر فارسی» را در سال ۱۳۳۳ منتشر کرد. مدتی بعد پیروز تاثرخانلری در نقدی بر کتاب راست، آن را نمونه درخوری می‌داند، منتها برای عرضه‌کردن بهترین تحقیقی در حیطه زبان‌شناسی که نتایج عجیبی فهم می‌زند. خانلری نقدش را توقانی آغاز می‌کند: «اگر راست سیاح و مثالی است برای نشان‌دادن این معنی که تتبع و تحقیق و مطالعه وقتی که از روی وسایل و مبزار درست عملی انجام نگیرد، چه نتایج عجیب و غم‌انگیزی ممکن است به بار بیاورد». مالجو شرح می‌دهد که موضوع بحث خانلری تحقیق راست درباره «اشتقاق و وجه تسمیه الفاظ» است. البته کویا نیکلا راست به دیوانی و بدعاوت روش تحقیق خود آگاه بوده و ازاین‌رو در دفاعیه کتابش آورده: «... در خاتمه... ممکن است این نکته را اضافه نمود که متخصصین علم زبان‌شناسی توجه خودشان را به آن عطف خواهند نمود که در اساس تطبیقات و مقایسات لغوی نظری گذارده نه شباهت مفهوم کلمه یا ظاهر لفوی آن بدین طریق زودتر و دقیق‌تر معلوم و واضح می‌شود» و بلافاصله می‌نویسد: «این کویه روش علمیه و طور بررسی چوکنکی بسنکی فی‌مابین ظاهر و باطن کلمه یعنی بسنکی ذاتی بین لباس لفظی واژه و روح مفهومی آن به این اندازه تاثرگی داشته و مؤلف به خود آمید می‌دهد از اتحاده متخصصین بذیرفته خواهد شد». امیدی که چندان راه به جایی نمی‌برد و تا ۸۳ سال بعد که گزارش اقتصادی راست پیدا شود و محققی به آثار غیراقتصادی راست و وحدت روش‌شناسانه او در آثارش اشاره کند و به بداعت و ظرافتی که در زمانه خود درک نشد، مجادلات قلمی تند اهل فرهنگ از تباعث‌ـ امید راست حکایت دارد. نقد خانلری بر کتاب «پیدایش ضمایر فارسی» راست در حلقه‌های ادبی و زبان‌شناسی چنان سرایت می‌کند که دیگران ازجمله ایرج افشار نیز به قول مالجو، با جا پای خانلری می‌گذارد: «آقای نیکلا راست به مردان با فضل است... کتاب حاضر را با نظری خاص انتشار داده است. شاید چنین قصد دارد که نظر دانشمندان را راجع به عقاید تازه و ابداعی خود درخصوص بعضی از مباحث زبان‌شناسی دریابد. نویسنده در این کتاب بر این عقیده است که ضمایر شخصی فارسی روی اساس قواعد صرف‌ونحوی به وجود نیامده، بلکه عوامل و نکات و تحولات دیگری در آن کاملا مؤثر و مسبب است». اما برخلاف نصور خانلری و افشار، راست نه هیچ روش جدیدی در زبان‌شناسی ابداع کرده بود و نه هیچ ایده تازه و ابداعی پیش کشیده بود. راست سه سال بعد، که مستقیم بلکه به همان «شیوه محترمانه همیشگی»، به طور غیرمستقیم به این ایراد پرداخت و نوشت: «این موضوع بیشتر به مطالب زبان‌شناسی مصلحی مربوط است و در قسمی از علم زبان‌شناسی و از طرف محققین آن در اطراف ایجاد اقسام کلام جداگانه از مدتی بحث می‌شود» و بعد آن‌ایراد را برمی‌شمارد و می‌نویسد طرفدار کدام نظریه است. اصحاب فرهنگ و چه‌بسا خیرکان اقتصادی، در سال‌های ۱۳۲۰ و بعدتر، پژوهش‌های راست را که مبتنی بر مشاهده تجربی یعنی کردگوی اطلاعات درباره دنیای واقعی بود، نه مبتنی‌نایب و از ایرلو ابرهیم بورداود، نیکلا راست را «نیکلا کج» می‌خواند یا عباس اقبال آشتیانی تعبیر «نوشته‌های سرایا مهمل نیکلا راست» را به کار می‌برد و شماری دیگر از این دست تعابیر و تعریضات. اما نه مقالچو مشابه احتلاف‌نظر بورداود و اقبال و خانلری با راست بر سر روش تحقیق هرچه بود، سبب اتفاقگیری نابسنده خیرکان نه‌چندان آزموده ایرانی با تحلیل‌های اقتصادی است شده و این گزارش را به بستوی تاریک ترک رانده بود. تا سال‌ها بعد که در کتاب «ادیسه راست» مرئی شد.

یک کتاب، یک نویسنده: گفت‌وگوی احمد غلامی با محمد مالجو درباره «ادیسهٔ راست»

زندگی اسرارآمیز نیکلا راست

«ادیسه راست: تاریخ خُرد دره‌دری از ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۸ خورشیدی» عنوان تازه‌ترین پژوهش محمد مالجو است که در آن به واسطه یک گزارش اقتصادی متروک به زندگی پر رمز و راز گزارش‌نویس نیکلا راست پرداخته است. مالجو پیش از این در آثاری مانند «خیز خام»، «کوچ در پی کار و نان» قدرت روایت‌گری خود را نشان داده بود. اما در «ادیسه راست» با نوعی روایت‌پردازی بدیع با شخصیت‌پردازی جذاب مواجهیم که از خلال آن بخشی از تاریخ کلان دوره پهلوی و بین دو جنگ جهانی در ایران روایت می‌شود. مالجو می‌گوید نقطه عزیمت او برای این تحقیق، گزارشی اقتصادی درباره تجارت خارجی ایران است که به‌طور اتفاقی آن را در میان اسناد می‌یابد. گزارشی که برای بار نخست مالجو را با صحنه‌ای روشن و قانع‌کننده در تجارت خارجی ایران در دوره‌ای مشخص مواجه می‌کند. بعد از آن است که نویسنده گزارش، توجه او را به خود جلب می‌کند و تحقیق درباره او تاریخ خُرد دره‌دری را رقم می‌زند. نیکلا راست یا نیکلا بلکاردسکی، شخصیتی است که «ادیسه راست» حول محور زندگی اسرارآمیز او شکل گرفته است. مالجو بر اساس شواهد و قرائن حدس‌ها یا فرضیه‌هایی درباره این شخصیت تدارک دیده است که در گفت‌وگوی اخیر به آن اشاره می‌کند. به مناسبت انتشار «ادیسه راست» اثر محمد مالجو، در این شماره از برنامه‌های «یک کتاب، یک نویسنده»، درباره روایت جذاب او از راست و نکته‌ای از تاریخ معاصر ایران به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

عکس: مجله تاکس شرق

آقای مالجو کتاب «ادیسه راست: تاریخ خُرد دره‌دری» شما را که خواندم، بدون اغراق انتظار نداشتم با چنین روایتی روبه‌رو شوم. فکر می‌کردم با یک کتاب اقتصادی خشک و عبوس روبه‌رو هستم که باید به‌دشواری پیش بروم. اما از همان صفحات اول احساس کردم در حال خواندن یک رمان جذاب با نوعی روایت بدیع هستم که برایم شگفت‌انگیز بود. می‌توان گفت «ادیسهٔ راست» نوعی روایت با ناداستان است. با تأکید بر اینکه روایتی مستند است و هیچ تخیلی در آن راه پیدا نکرده و آنچه روایت شده قابل اعتنا است و مستند دارد. نوع روایت شما توانسته از آقای «راست» چهره‌ای بسازد که فوق‌العاده جذاب است و من توصیه می‌کنم هر کس به این نوع روایت‌ها علاقه دارد کتاب را بخواند و از آن لذت ببرد. مهم‌تر از همه این کتاب «ادیسهٔ راست» به برهه‌ای از تاریخ ایران برمی‌گردد که بحران‌ترین دوره تاریخ بعد پس از دو جنگ جهانی اول بود. شما این تاریخ را از منظر دیگری روایت می‌کنید؛ نوعی روایت خُرده قرار است از طریق آن به روایت کلانی بی‌بریم که در آن تاریخ‌ساز است. اما وقتی از منظر روایتی روایت خُرد به این تاریخ نگاه می‌کنیم، جذابتر است و زوایای تازه‌ای پیدا می‌کند. به‌طور مثال در مورد ۵۳ نفر؛ مطالب بسیاری در تاریخ ایران بوده و ایران وجود دارد، اما وقتی به روایت برتر «نیکلا راست» و زندگی او به این مسئله نگاه می‌کنیم؛ با حضور استالین و فشارهایی که در شوروی به وجود آمده. از بُعد دیگری با ماجرای ۵۳ نفر آشنا می‌شویم. چطور شد که مجذوب شخصیت راست شدید و به این سمت رفتید که با رجحت زمانه ملتح را بررسی کنید و این روایت دست اول را بنویسد؟ آیا این تاریخ خُرد در کتاب‌های تاریخی ما سابقه دیگری هم دارد یا نه؟

نیکلا راست به‌عنوان یک شخصیت تاریخی تا نیمه‌های تحقیق حتی در حد شناخت نامش برای من وجود نداشت. آنچه ابتدا به سلکن من را مجذوب کرد، «گزارش راست» به دبیرایی و بدعاوت روش تحقیق خود آگاه بوده و ازاین‌رو در دفاعیه کتابش آورده: «... در خاتمه... ممکن است این نکته را اضافه نمود که متخصصین علم زبان‌شناسی توجه خودشان را به آن عطف خواهند نمود که در اساس تطبیقات و مقایسات لغوی نظری گذارده نه شباهت مفهوم کلمه یا ظاهر لفوی آن بدین طریق زودتر و دقیق‌تر معلوم و واضح می‌شود» و بلافاصله می‌نویسد: «این کویه روش علمیه و طور بررسی چوکنکی بسنکی فی‌مابین ظاهر و باطن کلمه یعنی بسنکی ذاتی بین لباس لفظی واژه و روح مفهومی آن به این اندازه تاثرگی داشته و مؤلف به خود آمید می‌دهد از اتحاده متخصصین بذیرفته خواهد شد». امیدی که چندان راه به جایی نمی‌برد و تا ۸۳ سال بعد که گزارش اقتصادی راست پیدا شود و محققی به آثار غیراقتصادی راست و وحدت روش‌شناسانه او در آثارش اشاره کند و به بداعت و ظرافتی که در زمانه خود درک نشد، مجادلات قلمی تند اهل فرهنگ از تباعث‌ـ امید راست حکایت دارد. نقد خانلری بر کتاب «پیدایش ضمایر فارسی» راست در حلقه‌های ادبی و زبان‌شناسی چنان سرایت می‌کند که دیگران ازجمله ایرج افشار نیز به قول مالجو، با جا پای خانلری می‌گذارد: «آقای نیکلا راست به مردان با فضل است... کتاب حاضر را با نظری خاص انتشار داده است. شاید چنین قصد دارد که نظر دانشمندان را راجع به عقاید تازه و ابداعی خود درخصوص بعضی از مباحث زبان‌شناسی دریابد. نویسنده در این کتاب بر این عقیده است که ضمایر شخصی فارسی روی اساس قواعد صرف‌ونحوی به وجود نیامده، بلکه عوامل و نکات و تحولات دیگری در آن کاملا مؤثر و مسبب است». اما برخلاف تصور خانلری و افشار، راست نه هیچ روش جدیدی در زبان‌شناسی ابداع کرده بود و نه هیچ ایده تازه و ابداعی پیش کشیده بود. راست سه سال بعد، که مستقیم بلکه به همان «شیوه محترمانه همیشگی»، به طور غیرمستقیم به این ایراد پرداخت و نوشت: «این موضوع بیشتر به مطالب زبان‌شناسی مصلحی مربوط است و در قسمی از علم زبان‌شناسی و از طرف محققین آن در اطراف ایجاد اقسام کلام جداگانه از مدتی بحث می‌شود» و بعد آن‌ایراف را برمی‌شمارد و می‌نویسد طرفدار کدام نظریه است. اصحاب فرهنگ و چه‌بسا خیرکان اقتصادی، در سال‌های ۱۳۲۰ و بعدتر، پژوهش‌های راست را که مبتنی بر مشاهده تجربی یعنی کردگوی اطلاعات درباره دنیای واقعی بود، نه مبتنی‌نایب و از ایرلو ابرهیم بورداود، نیکلا راست را «نیکلا کج» می‌خواند یا عباس اقبال آشتیانی تعبیر «نوشته‌های سرایا مهمل نیکلا راست» را به کار می‌برد و شماری دیگر از این دست تعابیر و تعریضات. اما نه مقالچو مشابه احتلاف‌نظر بورداود و اقبال و خانلری با راست بر سر روش تحقیق هرچه بود، سبب اتفاقگیری نابسنده خیرکان نه‌چندان آزموده ایرانی با تحلیل‌های اقتصادی راست شده و این گزارش را به بستوی تاریک ترک رانده بود. تا سال‌ها بعد که در کتاب «ادیسه راست» مرئی شد.

آیا راست به مشاور ردبالایی بوده و به دیوان‌سالاری ایران وارد شده و زبان فارسی را خوب می‌دانسته و آدم باهوشی بوده. یا نیکلاس‌ها به راست اعتماد می‌کردند و به دلیل زیرکی و نبوغ و خوش‌بینی خود، برای او مناصبی را می‌گذاشتند؟ آیا به راست اعتماد می‌کردند که آن را پژوهشی روش‌مند نیست؟

راست سی سالهٔ اوّل این فرد را می‌شناسند اما نه به نام «نیکلا راست» بلکه به نام «نیکلای الکساندرویچ بلکاردسکی». حتی در معتبرترین منبعی که در ارتباط با این قلمروها در روسی وجود دارد، جای خالی مرگ او علامت سؤال گذاشته شده و نمی‌دانم عاقبتش بعد از ۱۹۳۷ چه شده است. همین‌قدر می‌دانم که قربانی سرکوب و تصفیه‌های خونین استالینی شده که در بین سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۰ و عمدتاً در ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ برقرار بود. در واقع او در تاریخ گم شده و روس‌ها ردپای آینده‌اش را از دست داده‌اند. چند منبع مهم را در این کتاب یاد کرده‌ام. نمی‌دانم عاقبت این فرد چه شده. از سوی دیگر، سی سالهٔ دوم عمرش که در ایران بوشهر، شیراز، اهواز و نه‌چندان در تهران (بایتخت) بوده، اما ایرانیان -منظورم بعد تکنوکراسی است که به نحوی با نیکلا راست در ارتباط بوده‌اند- شناختی از سابقهٔ راست نداشتند. یکی از مهم‌ترین چهره‌های فرهنگی ما ایرج افشار است که درگذشتهٔ برجسته، در متنی که چند دهه پیش نوشته و او را «دوست قدیم» خطاب می‌کند، اما کمان می‌کند دوست قدیمش از روس‌های سفیدپوست بوده که با انقلاب بلشویکی از شوروی فرار کرده. که به هیچ وجه چنین نبوده است. در این کتاب نشان داده‌ام که بلکاردسکی و بعدتر راست، از روس‌های سرخ بوده و در دستگاه اداری شوروی‌ها و هم در ایران حضور داشته و از یک جایی به بعد ناگزیر می‌شود از موطن اولیهٔ یعنی شوروی سوسیالیستی که خودش در مقام یک روس سرخ آنجا بوده فرار کند چون استالینیست‌ها سراغ او را می‌گشتند، و به موطن ثانویهٔ یعنی ایران بیاید و از ۱۳۱۹ به تابعیت ایران درآید. اما بر قرائن، آخرین حضور نیکلا راست به ۱۸ شهریور ۱۳۲۰ برمی‌گردد. چون در آن روز برای گرفتن وام صدر یالی سه‌ماهه مورخ ۱۸ شهریور به بنک ملی مراجعه کرده بود. بعد دیگر دری از راست نداریم. سه سال بعد او در بهار ۱۳۲۳ اقدامی می‌کند. در این فاصله فرد دیگری از حضور راست شوروی‌ها در ایران نداریم. البته قرائنی یافته که در مقالهٔ دیگر باید بنویسم. بنابراین به شکلی که شما اشاره کردید، متأسفانه اطلاعات دقیقی وجود ندارد. یا اگر هست مشخص نیست کدام گوشه و کنار بایگانی‌ها و آرشیوهاست که باید جست‌وجو شود. اما بر قرائن و نقل آمارهای تجارت خارجی به این موضوع پرداخته بود. من تلاش کردم از فرهکار دکریمی‌های فکری نیکلا راست در قلمروهای غیر اقتصادی، در حوزه زبان‌شناسی با پیوزر نیکلا راست در حوزه زبان‌شناسی و در حوزه ادب‌شناسی با ابراهیم پورداود و به نحوی از انحا تعاملات فکری که با ایرج افشار داشت، دعواهایی را شناسایی کنم که محور اصلی‌اش روش کلی نیکلا راست است که تجربی است و آن دیگران یعنی عامهٔ اصل روشنفکری دنیای تاریخی، زبان‌شناسی در ایران و بایتخت‌نشینانی چون اقبال پرداود، خانلری و... روش‌شان نه ضرورتاً ضد تجربی اما در قیاس با راست، خیلی غیر تجربی‌تر بوده است. اینکه این دعوا و عدم فهم وجود داشت. بورداود، نیکلا راست را «نیکلا کج» می‌خواند. اقبال‌آشتیانی در نامه خصوصی از «نوشته‌های سرایا مهمل نیکلا راست» یاد می‌کند. پیوزر نیز تالخانلری کتاب «پیدایش ضمایر فارسی» نیکلا راست را سرجمع در حد بیهوده‌گویی تلقی می‌کند. من این دعوا را در حوزه‌های غیر اقتصادی بازسازی کرده و تصورم این است که می‌توانست چنین درگیری‌هایی بر سر روش تجربی مطالعات فرهنگی راست شکل بگیرد که در اداره‌ی کل آمار و شوروی‌ها در سال ۱۳۲۰ عرضه کرده بود. سندی نداریم که چنین بحث‌هایی شکل داده باشد. اما، ولی می‌توان بطور معاوری تخیل کرد که چنین بحث‌هایی می‌توانسته درگرفته باشد. یا واقعاً درگرفته و ما سندی نداشته باشیم. بنابراین جمع ایرانیان مخاطب این نوع گزارش‌نویسی برای یک‌جور مال خود کردن محتوای این گزارش به لحاظ فکری قرار گرفته‌اند. اگر من هم یک قضیه تطبیقی بین این سه دوره است. قبل هنگام و بعد از جنگ. قسمت دوم مربوط به تحولات دوره رضاشاهی است و بحث راست در آن، به دلیل یک دوره‌ی شاه بدون شاه در شرایط امروز با معاملاتی که صورت گرفته، تیمدان درخشان نیست. البته ضعفی هم ندارد. مروری کذرا است از دوره رضاشاهی و تحولات یا به‌اصطلاح امروز سازندگی‌های راست که در آن دوره در زمینهٔ راه‌سازی، راه‌آهن، انواع و اقسام شعب صنعت در حد آن زمان اتفاق افتاده و ایران را از دکرونه کرده. و حالا اگر بدون دقیقه کنیم که شکل جنگ جهانی دوم صورت بگیرد نوع دیگری از تاثیر را بر اقتصاد ایران می‌گذارد. در قسمت سوم سراغ این نوع دیگر از تاثیرپذیری اقتصاد ایران از بدیده جنگ، از لنز تجارت خارجی و واردات و صادرات رفته است. در این قسمت، دوره سه جهار سالهٔ قبل از شروع جنگ جهانی دوم بررسی شده که هنوز هم جنگ جهانی نبوده و اگر از منظر ایران نگاه کنیم جنگ جهانی اول بوده است. در سال ۱۳۱۸ (۱۹۳۹ م.)، که جنگ شروع می‌شود. بحرانیه اینکه در کدام کشور هستیم. جنگ اسامی مختلفی داشته. از پخش مناظر اسمش جنگ بوده، اما از منظر ایران جنگ جهانی نبوده چون جنگ در اروپا بوده ولو تاثیر بر جهای دیگر جهان هم گذاشته باشد. در این کتاب جنگ جهانی اول از زبان راست تحت عنوان «جنگ گذشته» یاد می‌شود و جنگ جهانی دوم را «جنگ کنونی» می‌نامد. جنگ اواخر تابستان ۱۳۱۸ شروع می‌شود. دوره سه جهار سالهٔ قبل از جنگ جهانی دوم را با شروع جنگ مقایسه می‌کند. اخیرین آمارها مربوط به سال ۱۳۱۹ است و راست در اینجا، هم به مقایسه تطبیقی قبل جنگ با دوره یک سال و نیم جنگ می‌پردازد. و هم به مقایسه تطبیقی تاثیرپذیری اقتصاد ایران از جنگ کنونی (جنگ دوم) با نحوه تاثیرپذیری‌اش از جنگ اول. اینکه چرا این نحوه تاثیرپذیری تفاوت پیدا کرده؛ به‌خاطر اینکه در دوره بین دو جنگ، اقتصاد ایران در دوره رضاشاهی تفاوت‌های مهم پیدا کرده است. این گزارش به احتمال قوی حوالی بهمن ۱۳۱۹ به پایان می‌رسد. سه درفت از این گزارش در دست داریم. شاید در سال ۱۳۲۳ حتی ترجمه انگلیسی از این گزارش برای رؤیت آرتور میلسپو (رئیس کل دارایی) شده باشد، اما اگر وجود داشته باشد در دست نیست. زمان پایان درفت دوم بهمن ۱۳۱۹ قید شده. راست در اینجا با نکاه به آینده، سناریوسازی می‌کند. قسمت جهارم مربوط به سناریوهای کوتاهون است؛ اینکه جنگ با همین جنگ افزوده شود و مهمتر از همه آنچه را راست دارد جنگ شود. نکاه راست به این از محتمل‌ترین سناریو می‌داند و زمان گزارش زمانی است که می‌گوید این اتفاق خواهد افتاد. آنچه را که آمریکا تحقق‌ضرب می‌کند و بر ایران جرم زمانی شکل می‌گیرد؟ آذر ۱۳۲۱ یعنی شد بعد بعد از این گزارش. سناریوی سوم فاصله دور را می‌بیند؛ اینکه جنگ جهانی دوم پایان بیرد. به دوره صلح برسیم و راست دوره صلح را به طور تلویحی درنظر می‌دهی می‌بینه که بازنده جنگ آلمان و ایتالیا و اتیاپی موسولینی است. آن‌هم در بهمن ۱۳۱۹ یعنی زمانی که آلمان و ایتالیا و ژاپن هرکدام در جبهه‌های جنگ خودشان در اروپا یا آفریقا و... همین‌طور می‌روند و جلو می‌روند. باور دنیا این است که متحدان برنده جنگ هستند. راست در آن مقطع این سناریو را می‌سازد. این سناریوها برای این است که در هرکدام از این حالت‌ها چه اقدامائی برای تجارت خارجی در ارتباط با ایران باید انجام داد و چه اتفاقاتی برای تجارت خارجی ایران می‌افتد. امروز برای ما مفهوم است که وقتی تجارت خارجی واردات و صادرات نکان بخورند، در داخل کشور لرزه‌های شدیدی اتفاق می‌افتد. هرکدام در جبهه‌های جنگ خودشان در اروپا یا آفریقا و... همین‌طور می‌روند و جلو می‌روند. باور دنیا این است که متحدان برنده جنگ هستند. راست در آن مقطع این سناریو را می‌سازد. این سناریوها برای این است که در هرکدام از این حالت‌ها چه اقدامائی برای تجارت خارجی در ارتباط با ایران باید انجام داد و چه اتفاقاتی برای تجارت خارجی ایران می‌افتد. امروز برای ما مفهوم است که وقتی تجارت خارجی واردات و صادرات نکان بخورند، در داخل کشور لرزه‌های شدیدی اتفاق می‌افتد. هرکدام در جبهه‌های جنگ خودشان در اروپا یا آفریقا و... همین‌طور می‌روند و جلو می‌روند. باور دنیا این است که متحدان برنده جنگ هستند. راست در آن مقطع این سناریو را می‌سازد. این سناریوها برای این است که در هرکدام از این حالت‌ها چه اقدامائی برای تجارت خارجی در ارتباط با ایران باید انجام داد و چه اتفاقاتی برای تجارت خارجی ایران می‌افتد. امروز برای ما مفهوم است که وقتی تجارت خارجی واردات و صادرات نکان بخورند، در داخل کشور لرزه‌های شدیدی اتفاق می‌افتد.

که راست اطلاعات منحصربه‌فردی در اختیار دارد. بادنان می‌آید این سفر چطور اتفاق می‌افتد؛ راست چه زمانی از تهران خارج می‌شود. چرا به شیراز می‌رود و چطور از آنجا به جنوب می‌رود؟

شما به صحنه‌ای اشاره می‌کنید که تهران در صبحگاهان ۲۶ شهریور ۱۳۲۰ از یک طرف توسط روس‌ها و از طرف دیگر توسط انگلیس‌ها اشغال می‌شود، و نیکلا راست که نزد نظام استالینی دشمن خلق شناخته می‌شده بعد به‌رغم اینکه قبلاً روس سرخ بوده، ناگزیر برای فرار از دست ارتش سرخ، تهران را ترک می‌کند و به جنوب و شیراز می‌رود. جایی که زیر نظر جنرال انگلیس‌ها است و به احتمال قوی سه سال آنجا تا حد مقدور در سایه‌ها زندگی می‌کند. در این مقطع تاریخی یعنی شهریور ۱۳۲۰، نیکلا راست به هیچ ارتباطی با روس‌ها اعم از اپوزیسیون نظام استالینی یا بدنه اداری نظام استالینی در ایران نداشته و در واقع از آنها می‌توانم بگویم. و نه باز به فرانس و شواهدی که در کتاب هم اتام داده‌ام؛ هیچ با انگلیس‌ها ارتباط گوفته بود. من حدود ۵۰ تا ۶۰ سال پیش یک روش مشخص و واحد داشت که پژوهش منتشر تهران را از ورود و خروج آدم‌ها از شهر در شهریور ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۲۳ جست‌وجو کرده. شهرهایی مانند مشهد، بندر انزلی که از ورود و خروج آدم‌ها، اعلام کرده بود. این روش را من برای گرفتن روزانه و هفتگی برای مقامات بالاتر در ایران اشغالی لیست قرام‌ها کشیده که البته خصوصاً در شهریورماه به دلیل افشنتابی که در کل کشور رخ داده بود در بسیاری از موارد با اطلاعات روای شهرهایی شهرهایی این اتفاق نمی‌افتاد. من هزاران صفحه زیروزبر کرده، اما نتوانستم چیزی از سفر نیکلا راست یا دو فرزندش که در آن مقطع بوشهر بودند و نیز همسرش به عنوان یک خوش‌بین هم اتام را او داشتم بیابم. بنا بر قرائن، آخرین حضور نیکلا راست به ۱۸ شهریور ۱۳۲۰ برمی‌گردد. چون در آن روز برای گرفتن وام صدر یالی سه‌ماهه مورخ ۱۸ شهریور به بنک ملی مراجعه کرده بود. دیگر دری از راست نداریم. سه سال بعد او در بهار ۱۳۲۳ اقدامی می‌کند. در این فاصله فرد دیگری از حضور راست شوروی‌ها در ایران نداریم. البته قرائنی یافته که در مقالهٔ دیگر باید بنویسم. بنابراین به شکلی که شما اشاره می‌کنید، متأسفانه اطلاعات دقیقی وجود ندارد. یا اگر هست مشخص نیست کدام گوشه و کنار بایگانی‌ها و آرشیوهاست که باید جست‌وجو شود. اما بر قرائن و نقل آمارهای تجارت خارجی به این موضوع پرداخته بود. من تلاش کردم از فرهکار دکریمی‌های فکری نیکلا راست در قلمروهای غیر اقتصادی، در حوزه زبان‌شناسی با پیوزر نیکلا راست، در حوزه تاریخ با ایران‌شناسی، در حوزه ادب‌شناسی با ابراهیم پورداود و به نحوی از انحا تعاملات فکری که با ایرج افشار داشت، دعواهایی را شناسایی کنم که محور اصلی‌اش روش کلی نیکلا راست است که تجربی است و آن دیگران یعنی عامهٔ اصل روشنفکری دنیای تاریخی، زبان‌شناسی در ایران و بایتخت‌نشینانی چون اقبال پرداود، خانلری و... روش‌شان نه ضرورتاً ضد تجربی اما در قیاس با راست، خیلی غیر تجربی‌تر بوده است. اینکه این دعوا و عدم فهم وجود داشت. بورداود، نیکلا راست را «نیکلا کج» می‌خواند. اقبال‌آشتیانی در نامه خصوصی از «نوشته‌های سرایا مهمل نیکلا راست» یاد می‌کند. پیوزر نیز تالخانلری کتاب «پیدایش ضمایر فارسی» نیکلا راست را سرجمع در حد بیهوده‌گویی تلقی می‌کند. من این دعوا را در حوزه‌های غیر اقتصادی بازسازی کرده و تصورم این است که می‌توانست چنین درگیری‌هایی بر سر روش تجربی مطالعات فرهنگی راست شکل بگیرد که در اداره‌ی کل آمار و شوروی‌ها در سال ۱۳۲۰ عرضه کرده بود. سندی نداریم که چنین بحث‌هایی شکل داده باشد. اما، ولی می‌توان بطور معاوری تخیل کرد که چنین بحث‌هایی می‌توانسته درگرفته باشد. یا واقعاً درگرفته و ما سندی نداشته باشیم. بنابراین جمع ایرانیان مخاطب این نوع گزارش‌نویسی برای یک‌جور مال خود کردن محتوای این گزارش به لحاظ فکری قرار گرفته‌اند. اگر من هم یک قضیه تطبیقی بین این سه دوره است. قبل هنگام و بعد از جنگ. قسمت دوم مربوط به تحولات دوره رضاشاهی است و بحث راست در آن، به دلیل یک دوره‌ی شاه بدون شاه در شرایط امروز با معاملاتی که صورت گرفته، تیمدان درخشان نیست. البته ضعفی هم ندارد. مروری کذرا است از دوره رضاشاهی و تحولات یا به‌اصطلاح امروز سازندگی‌های راست که در آن دوره در زمینهٔ راه‌سازی، راه‌آهن، انواع و اقسام شعب صنعت در حد آن زمان اتفاق افتاده و ایران را از دکرونه کرده. و حالا اگر وجود داشته باشد، به شکل جنگ جهانی دوم صورت بگیرد نوع دیگری از تاثیر را بر اقتصاد ایران می‌گذارد. در قسمت سوم سراغ این نوع دیگر از تاثیرپذیری اقتصاد ایران از بدیده جنگ، از لنز تجارت خارجی و واردات و صادرات رفته است. در این قسمت، دوره سه جهار سالهٔ قبل از شروع جنگ جهانی دوم بررسی شده که هنوز هم جنگ جهانی نبوده و اگر از منظر ایران نگاه کنیم جنگ جهانی اول بوده است. در سال ۱۳۱۸ (۱۹۳۹ م.)، که جنگ شروع می‌شود. بحرانیه اینکه در کدام کشور هستیم. جنگ اسامی مختلفی داشته. از پخش مناظر اسمش جنگ بوده، اما از منظر ایران جنگ جهانی نبوده چون جنگ در اروپا بوده ولو تاثیر بر جهای دیگر جهان هم گذاشته باشد. در این کتاب جنگ جهانی اول از زبان راست تحت عنوان «جنگ گذشته» یاد می‌شود و جنگ جهانی دوم را «جنگ کنونی» می‌نامد. جنگ اواخر تابستان ۱۳۱۸ شروع می‌شود. دوره سه جهار سالهٔ قبل از جنگ جهانی دوم را با شروع جنگ مقایسه می‌کند. اخیرین آمارها مربوط به سال ۱۳۱۹ است و راست در اینجا، هم به مقایسه تطبیقی قبل جنگ با دوره یک سال و نیم جنگ می‌پردازد. و هم به مقایسه تطبیقی تاثیرپذیری اقتصاد ایران از جنگ کنونی (جنگ دوم) با نحوه تاثیرپذیری‌اش از جنگ اول. اینکه چرا این نحوه تاثیرپذیری تفاوت پیدا کرده؛ به‌خاطر اینکه در دوره بین دو جنگ، اقتصاد ایران در دوره رضاشاهی تفاوت‌های مهم پیدا کرده است. این گزارش به احتمال قوی حوالی بهمن ۱۳۱۹ به پایان می‌رسد. سه درفت از این گزارش در